

مطالعه جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد زنان جهت تدوین الگوی توسعه پایدار شهر تهران

زهرا عزیز آبادی فراهانی^۱

ساسان ودیعه^۲

زهرا حضرتی صومعه^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۰

چکیده

برنامه‌ریزی شهری برای زنان، می‌تواند گونه‌ای از برنامه‌ریزی وکالتی انگاشته شود که از این طریق حقوق فراموش شده و صدای خاموش زنان را در شهر یاد آوری می‌کند. برنامه‌ریزی فضای شهری برای زنان، ایده اصلی خود را از نظریات فمینیستی اقتباس می‌کند. در این راستا پژوهش حاضر با هدف ارزیابی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد زنان جهت تدوین الگوی توسعه پایدار شهر تهران انجام گرفته است. روش این تحقیق از نظر رویکرد تحقیق توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه زنان شهر تهران می‌باشد. برآورد حجم جامعه در حدود یک صد هزار نفر می‌باشد. به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی سیستماتیک ۳۸۴ نفر از زنان شهر تهران به عنوان نمونه آماری تعیین شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته و از آزمون معتبر کلموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی استفاده شد نتایج حاکی از آن است که زنان در برنامه‌ریزی مربوط به توسعه پایدار در رویکرد اجتماعی-اقتصادی، رویکرد منابع برنامه‌ریزی، رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهر تهران از جایگاه چندانی برخوردار نیستند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که امنیت شهری برای توسعه پایدار دارای اهمیت بسزایی می‌باشد، اما جایگاه زنان در برقراری امنیت شهری توسعه پایدار در شهر تهران کم‌رنگ می‌باشد.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی شهری، زنان، توسعه پایدار، شهر تهران.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
sas.vadiea@iauctb.ac.ir

۳- استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند، از یک سو شهرها به عنوان کانون های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فضایی به شمار می‌روند (وارول و همکاران^۱، ۲۰۱۰، ۱). از سوی دیگر مناسب‌ترین مکان‌هایی هستند که مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در آن‌ها پدید می‌آید (کنلی^۲، ۲۰۰۷، ۲۵۹). بنابراین مظاهر اصلی توسعه و دست‌آوردهای اعم از منفی و مثبت آن عمدتاً در شهرها اتفاق می‌افتد، بدان علت که طبق گزارش سازمان ملل در سال ۱۹۰۰ تنها ۱۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند اما در سال ۲۰۰۷ جمعیت شهری جهان به ۵۰ درصد رسید (الیور^۳، ۲۰۰۸) و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ حدود ۵ میلیارد نفر و در سال ۲۰۵۰ (۷۵ درصد) یعنی ۷ میلیارد نفر در شهرها زندگی خواهند کرد (یووی^۴، ۲۰۰۸). بنابراین مسائل و مشکلات موجود به‌ویژه در شهرها نشانگر عدم تحقق مشخصه‌های پایداری در آن‌هاست. به‌طوری‌که جغرافیای شهری در این وضعیت ابعاد و قلمروهای تازه‌ای می‌یابد و با بررسی مسائل مهم شهرهای جهان سوم، عدالت اجتماعی، کیفیت دسترسی مردم شهرها به نیازهای اساسی، حوزه‌های اجتماعی و غیره، ضمن ارزیابی و تحلیل فضایی و اکولوژیکی از مشخصه‌های پایداری در مناطق و حوزه‌های شهری، سعی دارد کمک کند تا محیط زیست شهری مناسبی برای ساکنان شهرها فراهم شود (شکویی، ۱۳۷۳: ۹). براین اساس، با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تأثیرگذاری آن‌ها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری ضروری می‌باشد (ملکی و دامن‌باغ، ۱۳۹۲).

توسعه پایدار نوعی از توسعه است که نیازهای نسل امروز را بدون به خطر انداختن فرصت‌های آن برای تأمین نیازهای نسل آینده ارضاء کند. مفهوم توسعه پایدار مرزهای مشخصی، نه مطلقاً محدودی دارد ولی استفاده از منابع موجود تکنولوژیکی و در ادبیات توسعه پایدار نیز یکی از موضوعات کلیدی و شاخص‌های اصلی توسعه در کشورهای در حال توسعه، موضوع زنان است که خود مؤید این مطلب است که توسعه می‌بایست همه افراد را قادر سازد تا توانایی‌های خود را تا بیش‌ترین حد ممکن افزایش دهند. در ادبیات توسعه پایدار نیز یکی از موضوعات کلیدی و شاخص‌های اصلی توسعه در کشورهای در حال توسعه، موضوع زنان است که خود مؤید این مطلب است که توسعه می‌بایست همه افراد را قادر سازد تا توانایی‌های خود را تا بیش‌ترین حد ممکن افزایش دهند. به‌ویژه اینکه در دهه‌های اخیر، شرایط اقتصادی و اجتماعی کنونی در برخی از کشورهای در حال توسعه، جایگاه زنان را به یک نقش ثانویه تنزیل داده است (گالیندو^۵، ۲۰۱۶) توجه به نقش زنان در فرآیند توسعه از «توسعه مشارکتی» اوایل دهه

-
- 1- Varol & et al
 - 2- Conelly
 - 3- Oliver
 - 4- Uwe
 - 5- Galindo

هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اجتماعی و اقتصادی زنان در این کشورها بود. البته تجربیات اولیه نشان داد، ترسیم نقش منفعلانه برای زنان در توسعه نمی‌تواند بهبود وضعیت زندگی آن‌ها را به همراه داشته باشد. در چنین حالتی، زن موجودی با مشکلات و مسائل خاص خود و جدا از مرد دیده می‌شود. برای پر کردن چنین خلأی، برنامه‌ریزی شهری، هدف خود را یافتن راهی برای دستیابی به اطلاعات درست درباره نیازها، الزامات، دیدگاه‌ها و احساسات زنانه قرار می‌دهد، تا از این طریق مبنای قابل اعتمادی برای برنامه‌هایی که برای فضاهای شهری تدوین می‌شوند و زندگی روزانه زنان را تحت تأثیر بلافصل خود قرار می‌دهند، فراهم شود. می‌توان پیوند برنامه‌ریزی و زنان را در قالب دو رویکرد کلی مورد توجه قرار داد: شیوه برنامه‌ریزی برای زنان و حضور زنان در فرآیند برنامه‌ریزی در دهه‌های اخیر، توجه توأم به مشخصه‌های بیولوژیک و ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی در برنامه‌ریزی می‌تواند به عنوان رویکردی میانه و جامع محسوب شود. برنامه‌ریزی شهری می‌تواند با در نظر داشتن ویژگی‌ها و نیازهای جسمی جنس^۱ زن، چون توان بدنی و پدیده‌هایی چون بارداری و غیره - به منظور فراهم کردن محیط‌های امن و در دسترس برای احساس راحتی و آسایش آن‌ها در شهر - ابعاد بیولوژیک زنانگی را مورد تأکید قرار دهد. هم‌چنین باید با کم‌رنگ کردن دوگانگی فضای خصوصی/عمومی، آوردن زنان به حوزه عمومی و فراهم آوردن زمینه‌های رشد اجتماعی و فرهنگی آن‌ها، ابعاد اجتماعی - فرهنگی جنسیت زنانه را به رسمیت بشناسد.

از سویی نیز می‌توان حضور زنان به عنوان متخصصان برنامه‌ریزی شهری را راهی برای نزدیک شدن به دیدگاه‌های زنانه در امر برنامه‌ریزی، کاهش فاصله میان سوژه و ابژه و نیز تأکید بر عدالت جنسیتی دانست. این حرکت خود منبعث از جنبش عمومی‌تری است که با هدف برابری فرصت‌های آموزشی برای دو جنسیت زن و مرد طرح شده تا زنان بتوانند در سطوح مختلف تخصص و موقعیت‌های ممتاز حضور داشته و از این ره بخشی از هدایت جامعه را بر دوش گیرند. از جمله نهادهای آموزشی که در این زمینه فعالیت می‌کند، دانشگاه کلن آلمان است که هدف خود را برابری فرصت‌های آموزشی و نیز توسعه گروه‌های ناهمگن به لحاظ جنسیت (دانشجو، اساتید و پژوهشگران) اعلام کرده است. در ادبیات توسعه پایدار نیز یکی از موضوعات کلیدی و شاخص‌های اصلی توسعه در کشورهای در حال توسعه، موضوع زنان است که خود مؤید این مطلب است که توسعه می‌بایست همه افراد را قادر سازد تا توانایی‌های خود را تا بیش‌ترین حد ممکن افزایش دهند (فیروزبخت، ۱۳۹۱: ۶۶). رویکرد برنامه‌ریزی شهری نسبت به دختران و زنان می‌تواند الگوی مناسبی برای تدوین گران برنامه توسعه پایدار شهری باشد. اصلاح نگرش و اعتقاد به این اصل کلیدی که زنان اعضای متفکر، فعال و توانای جامعه انسانی هستند و تکیه بر دانش و تجربه زنان می‌تواند موجب موفقیت برنامه توسعه پایداری شهری شود. توجه به

اهمیت امنیت اجتماعی زنان در توسعه پایدار شهری و تأثیر آن در پیشگیری و کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی زندگی شهری در حال و آینده، شناخت مؤلفه‌های تعیین کننده امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری و راهبردهای ارتقاء آن ضرورتی انکارناپذیر است. این نگاه همه جانبه به توسعه‌یافتگی اجتماع، بیش از پیش ضرورت توجه به مشارکت و نقش‌پذیری زنان در اداره امور شهرها و از طرفی دیگر پاسخگو بودن مدیریت شهری در قبال نیازهای انسانی زنان در شهرها را دوچندان می‌کند (مادوا، ۲۰۱۷). آنچه در حوزه‌های مختلف مشارکت، موجب اندک بودن سهم زنان شده است، چالش‌های فکری و رفتاری است که از جنبه‌های اعتقادی (جنس دوم بودن زن و ...)، فرهنگی (پدرسالاری و مردسالاری، تعصبات قومی و ...)، اقتصادی (فرضیه‌های مبتنی بر ناتوانی و ...)، زیست‌شناختی (تفاوت‌های روحی و جسمانی، محدودیت‌های فیزیولوژیکی و ...)، اجتماعی (تفکر صرفاً در خانه و درونی بودن کار زن، تولید نسل و فرزندآوری و ...)، فردی (خود کم‌بینی زنان و ...)، حقوقی، مدیریتی و سیاسی بر میزان مشارکت زنان در ایران تأثیرات منفی و بعضاً نهادینه شده‌ای گذارده است. مسأله اصلی در توسعه پایدار شهری با در نظر گرفتن مسائل زنان، چگونگی تدوین الگو و برنامه‌ریزی شهری است، چرا که در ادوار مختلف زمانی، برنامه‌ریزی‌های صورت پذیرفته برای شهر تهران به صورت ضمنی به مسأله زنان و امنیت اجتماعی ایشان پرداخته شده است.

از آنجا که نیمی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، رسیدگی به مسائل این قشر نیز باید در برنامه‌ریزی‌های شهری به صورت جدی‌تری مورد مطالعه قرار گیرد. مطالعات صورت پذیرفته در این زمینه تنها به صورت مروری به مطالعه مسائل زنان و مشارکت آن‌ها در توسعه پایدار شهری پرداخته‌اند، لیکن در مطالعه حاضر، علاوه بر مطالعه برنامه‌ریزی شهر تهران در خصوص زنان و بررسی مسائل مرتبط به آنان، در انتها الگویی جهت توسعه پایدار شهری با در نظر گرفتن زنان تدوین می‌گردد. در واقع جنبه نوآوری این مطالعه، تدوین الگوی توسعه پایدار شهری با اولویت زنان خواهد بود که در خصوص برنامه‌ریزی شهری صورت می‌پذیرد (فیروزبخت، ۱۳۹۱: ۶۶).

اجلاس سازمان ملل روی توسعه و محیط زیست در ریو در سال ۱۹۹۲ اتفاق مهمی برای زنان سراسر جهان بود چون نقش قاطع زنان در دستیابی به نوعی متفاوت از توسعه را که به‌طور اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد، بازشناسی کرد و سهم اساسی آنان را در مدیریت محیط زیست و توسعه بیش‌تر تأکید کرده است (سعد^۱، ۲۰۱۳). در دستور کار ۲۱ این اجلاس، زنان بعنوان یک گروه اصلی که مشارکت کامل و برابری زنان، پایه‌هایی برای صلح و توسعه پایدار هستند. بر اساس این خط مشی سیاست‌هایی که زنان و مردان را به‌طور یکسان در برنگیرد، در بلندمدت موفق نخواهد بود (نیوجهاسون^۲، ۲۰۱۷). این امر در سایر اجلاس‌های جهانی و منطقه‌ای به ویژه اجلاس هزاره ملل مورد

1- Saad

2- Nieuwenhuijsen

تاکید قرار گرفت (لینلاک^۱، ۲۰۱۷). یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار، اسکان پایدار است و توسعه شهری را در همین چارچوب می‌توان مطرح نمود. به نظر می‌رسد درک مفهوم توسعه شهری پایدار (به طور خاص) و پی بردن به نقش برنامه‌ریزی شهری در ارتباط با آن، مستلزم توجه به اصول وارکان توسعه پایدار (به طور عام) می‌باشد. مقوله توسعه پایدار شهری در سال‌های اخیر به‌عنوان یک موضوع مهم علمی در کلیه جوامع مطرح بوده و بخش وسیعی از ادبیات توسعه شهری را به خود اختصاص داده است. در این راستا، ابعاد مختلف توسعه پایدار شهری از زوایای متفاوت، مورد بررسی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و در قالب دیدگاه‌های مختلف، راه‌کارهایی نیز اندیشیده شده است.

نگرش جامع به سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و نیز تدوین اهداف یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در راس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه شهری پایدار قرار می‌گیرد. امروزه پایداری حیات بشر به وسیله مجموعه‌ای از عوامل تهدید می‌شود، تحول فن‌آوری، پویایی اقتصادی، رشد شتابان جمعیت و آسیب‌های محیط طبیعی از جمله این عوامل می‌باشند. با اوج گرفتن نگرانی از عواقب فعالیت‌های انسانی برای کره زمین، به دنبال نظریه پایداری برای حمایت از محیط شهری، نظریه توسعه پایدار شهری مطرح گردید. امروزه شاهد افزایش آگاهی نسبت به اهمیت توسعه پایدار با هدف بازسازی محیط زیست به جای از بین بردن آن هستیم. از آنجا که توسعه پایدار متضمن ترکیبی از توسعه و حفاظت است، لذا استفاده از دانش بومی، به راحتی به حفظ منابع و تجدیدپذیری آن خواهد انجامید (اولاتوکا^۲، ۲۰۱۰).

توسعه پایدار به معنی ارائه راه حل‌هایی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می‌باشد که بتواند از بروز مسائلی هم‌چون نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌ها حال و آینده جلوگیری کند. تعریف عمومی که برای توسعه پایدار به کار می‌رود به این صورت است که، توسعه که در صدد برآوردن کردن نیازهای نسل امروز بدون اینکه تهدیدی برای توانایی‌های نسل آینده در جهت برآورده نمودن نیازهای خود باشند (ایساکسن^۳، ۲۰۰۶).

به‌طور کلی تفاسیر از توسعه پایدار چندبعدی هستند. اغلب میان اهداف اجتماعی، اهداف اکولوژیکی و اهداف اقتصادی تفاوت قایل می‌شوند. از سوی دیگر از زمان مطرح شدن توسعه پایدار در گزارش برانت لند، تمایز بین سیاست‌گذاری پایدار از سیاست‌گذاری زیست‌محیطی مشکل‌تر شده است. گزارش‌های مربوط به توسعه پایدار اغلب با عباراتی درباره پایداری به عنوان حراست از رفاه نسل‌های آینده شروع می‌شود (کروجر^۴، ۲۰۱۱).

-
- 1- Linnenluecke
 - 2- Olatokun
 - 3- Isaksson
 - 4- Krueger

مفهوم توسعه پایدار از نظر اوا و هیلدن به عنوان توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود تعریف شده است. توسعه پایدار نیاز به رویکرد برنامه‌ریزی زیست محیطی دارد که در آن در تمام سطوح مجاز از توسعه پایدار نگهداری می‌شود (انوری و رئیسی، ۱۳۹۵).

برنامه‌ریزی برای شهر بنابر اهدافی که برای خود تعیین می‌کند یا گروه اجتماعی‌ای که مقصود خود قرار می‌دهد، به عبارتی رویکردی که بر می‌گزیند، ریشه‌های معرفت‌شناسانه مشخصی دارد. بر این اساس می‌توان گفت برنامه‌ریزی فضای شهری برای زنان ایده اصلی خود را از نظریات فمینیستی اقتباس می‌کند. اما فمینیسم و نظریات فمینیستی در قالب کلیتی واحد شناخته نمی‌شود. «فمینیسم همانند اغلب نگره‌های فلسفی دیگری که دامنه گسترده‌ای دارند گونه‌های متنوعی را در دل خود جای می‌دهد» به باور تانگ فمینیسم دیدگاه‌های بسیاری را در بر می‌گیرد و بر این اساس دسته‌بندی خود را از نظریه‌های فمینیستی با توجه به پیوندشان با نظریه‌های لیبرالیستی، مارکسیستی، رادیکالیستی، روان‌کاوانه، اگزیستانسیالیستی و پست مدرنیستی ارائه می‌دهد. اما مفهومی کانونی، به عنوان ایده اصلی اندیشه‌های فمینیستی، وجود دارد که تمامی این نحله‌ها حول آن قرار می‌گیرند: «به چالش کشیدن سلطه مردانه و ساختن علمی که در آن جنسیت و روابط جنسیتی دارای اهمیت اجتماعی و تبیینی کامل انگاشته شوند (استیدر، ۱۹۹۵: ۹۱-۹۲).

مفهوم شهروند برای برنامه‌ریزان شهری ما یک مفهوم انتزاعی است و برنامه‌ریزان کم‌تر تصویری محسوس و ملموس از شهروند دارند و شهروند در بهترین صورت خود مردی است سالم، جوان و بدون هیچ مسأله‌ای که می‌خواهد تنها در خیابان جا به جا شود؛ بنابراین، تمام خدمات شهری برای تأمین نیازهای شخصی اوست و تفاوت‌های جنسیتی شهروندان هرگز مورد توجه برنامه‌ریزان نبوده است. این نگاه مردانه به شهر و شهروند و برنامه‌ریزی توسط مردان سبب شده که اگر خدمات و امکاناتی نیز در زمینه‌ی حفظ امنیت شهروندان در نظر گرفته شده، در حدی باشد که فقط برای یک مرد کافی است و تمام فعالیت‌ها برای توسعه شهر بر مدار مردان صورت گرفته است و همین مسأله خود موجبات عدم امنیت بیش‌تر زنان را ایجاد کرده است (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۵).

در دهه‌های اخیر به ویژه از دهه ۱۹۸۰ به بعد مفهوم توسعه پایدار مورد بازنگری جدی قرار گرفت و تأکید صرف بر ملاحظات زیست محیطی جای خود را به جامع‌نگری در ابعاد توسعه و توجه توأمان به ابعاد اقتصادی- اجتماعی و زیست محیطی داد. از این پس الگوهای جدیدی در توسعه پایدار بروز و ظهور یافته است. الگوهایی که با تأکید بر توسعه متوازن موجب چرخش جدی رویکردهای یک سونگرانه به نگرش‌های جامع و همه‌جانبه شد. در مطالعه‌ای حیدری و بنی‌هاشم (۱۳۹۲)، به بررسی نقش و جایگاه تعاونی‌های زنان ایران در توسعه پایدار شهر پرداختند. ثابتی و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی نقش زنان در

مطالعه جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد زنان جهت تدوین الگوی . . .

توسعه پایدار شهری با تأکید بر انرژی‌های پاک پرداختند. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد زنان جهت تدوین الگوی توسعه پایدار شهر تهران انجام گرفته است.

روش

روش جمع‌آوری داده‌ها از نظر رویکرد تحقیق توصیفی-پیمایشی است. از سوی دیگر، این پژوهش رویکردی کمی و کاربردی دارد. به طوری که در این روش، داده‌ها ماهیت کمی دارند و نتیجه‌گیری از آن‌ها نیازمند محاسبات آماری است و با استفاده از نرم‌افزارها تجزیه و تحلیل خواهد شد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه زنان شهر تهران هستند. سپس با توجه به برآورد حجم جامعه که حدود یک صد هزار نفر است تعداد ۳۸۴ نفر از زنان شهر تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی سیستماتیک در مناطق مختلف شهر تهران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، تکنیک پرسش‌نامه محقق‌ساخته بوده است. در این پژوهش با استفاده از دو روش آماری معروف (توصیفی و استنباطی) داده‌ها ارزیابی می‌شوند. در بخش توصیفی با استفاده از جداول، نمودارها و گراف‌ها و در بخش استنباطی از طریق آزمون‌های آماری، اطلاعات آنالیز می‌شوند. خروجی مربوط به تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. در این بخش شاخص‌های آماری میانه، انحراف استاندارد و درصد خطا (متغیر مستقل و وابسته) گزارش شده است. در واقع این شاخص‌ها می‌تواند به درک بیش‌تر متغیرهای پژوهش کمک کند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، جایگاه زنان با ۴/۰۳۱۳ دارای بیش‌ترین میانگین و رویکرد منابع برنامه‌ریزی توسعه پایدار با ۲/۸۲۸ دارای کم‌ترین میانگین می‌باشند.

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار
جایگاه زنان	۴/۰۳۱۳	۴	۰/۹۱۶
برنامه‌ریزی مربوط به توسعه	۳/۱۱۲	۳	۱/۰۶۲۲
رویکرد اجتماعی-اقتصادی	۲/۹۶۸	۳	۱/۱۷۳
رویکرد منابع برنامه‌ریزی توسعه پایدار	۲/۸۲۸	۳	۱/۱۹۹
رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی	۳/۱۷۷	۳	۱/۱۶۹
برقراری امنیت شهری	۳/۱۳۵	۳	۱/۱۴۳

بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها: در این پژوهش از آزمون معتبر کلموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی استفاده می‌شود. این آزمون در حالت تک نمونه‌ای به مقایسه تابع توزیع تجمعی مشاهده شده با تابع توزیع تجمعی مورد انتظار در یک متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای می‌پردازد. در تفسیر نتایج آزمون، چنانچه مقدار سطح خطای مشاهده شده از ۰/۰۵ بیش‌تر

باشد، در آن صورت توزیع مشاهده شده با توزیع نظری یکسان است و تفاوتی بین این دو وجود ندارد. یعنی توزیع بدست آمده توزیع نرمال است. اما چنانچه مقدار معنی داری از $0/05$ کوچکتر باشد آنگاه توزیع مشاهده شده با توزیع مورد انتظار متفاوت است و توزیع فوق نرمال نخواهد بود. این آزمون با توجه به فرضیه‌های زیر به بررسی نرمال بودن داده می‌پردازد.

H_0 : بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت وجود ندارد (توزیع نرمال هست).

H_1 : بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت وجود دارد (توزیع نرمال نیست).

جدول (۲): آزمون نرمال بودن متغیرها

متغیر	نوع توزیع به کار گرفته شده	سطح معناداری	مقدار خطا	تایید فرضیه	نتیجه
جایگاه زنان	نرمال	$0/270$	$0/05$	H_0	نرمال
برنامه ریزی مربوط به توسعه	نرمال	$0/210$	$0/05$	H_0	نرمال
رویکرد اجتماعی-اقتصادی	نرمال	$0/185$	$0/05$	H_0	نرمال
رویکرد منابع برنامه ریزی توسعه پایدار	نرمال	$0/169$	$0/05$	H_0	نرمال
رویکرد مشارکت برنامه ریزی	نرمال	$0/186$	$0/05$	H_0	نرمال
برقراری امنیت شهری	نرمال	$0/171$	$0/05$	H_0	نرمال

با توجه به مقادیر حاصل از آماره اسمیرنوف-کلموگروف جدول ۲، می‌توان استنباط نمود که توزیع مورد انتظار با توزیع مشاهده شده برای تمام متغیرها تفاوت معنی‌داری ندارد.

یافته‌های استنباطی:

فرضیه اصلی: بین جایگاه زنان و برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۳): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین جایگاه زنان و برنامه‌ریزی توسعه پایدار

	جایگاه زنان	برنامه‌ریزی توسعه
جایگاه زنان	ضریب همبستگی پیرسون	$0/367^{**}$
	ضریب معناداری	$0/000$
برنامه‌ریزی توسعه	تعداد	۳۸۴
	ضریب همبستگی پیرسون	$0/367^{**}$
	ضریب معناداری	$0/000$
	تعداد	۳۸۴
** همبستگی در سطح $0/01$ معنادار است		

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری فرضیه اول کم‌تر از $0/05$ است؛ بنابراین بین جایگاه زنان و برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اصلی تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود.

مطالعه جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد زنان جهت تدوین الگوی ...

جدول (۴): آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۶۳/۹۵۸	۱۵/۹۸۹	۴	۲۳/۵۱۹	۰/۰۰۰
باقی مانده	۲۵۷/۶۶۷	۰/۶۸۰	۳۷۹		
کل	۳۲۱/۶۲۵		۳۸۴		

طبق نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر جایگاه زنان در رویکرد اجتماعی- اقتصادی، رویکرد منابع برنامه‌ریزی توسعه پایدار، رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی توسعه پایدار و برقراری امنیت شهری توسعه پایدار در شهر تهران بر متغیر وابسته یعنی جایگاه زنان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید مقدار معنی‌داری حاصل از رگرسیون چندگانه کوچک‌تر از ۰/۰۵ است بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته اثرگذار است.

فرضیه‌های فرعی پژوهش:

فرضیه اول: به نظر می‌رسد جایگاه زنان در رویکرد اجتماعی- اقتصادی برنامه‌ریزی توسعه پایدار در شهر تهران کم‌رنگ می‌باشد

جدول (۵): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین جایگاه زنان و رویکرد اجتماعی- اقتصادی برنامه‌ریزی توسعه پایدار

	جایگاه زنان	رویکرد اجتماعی- اقتصادی
جایگاه زنان	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۸۵**
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴
رویکرد اجتماعی- اقتصادی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۸۵**
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴
** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است		

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری فرضیه اول کم‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین جایگاه زنان و رویکرد اجتماعی- اقتصادی برنامه‌ریزی توسعه پایدار در شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. مقدار و علامت ضریب این آزمون نیز جهت و قدرت رابطه را نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد جایگاه زنان در رویکرد منابع برنامه‌ریزی توسعه پایدار در شهر تهران کم‌رنگ می‌باشد

جدول (۶): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین جایگاه زنان و رویکرد منابع برنامه‌ریزی توسعه پایدار

	جایگاه زنان	رویکرد منابع برنامه‌ریزی
جایگاه زنان	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۲۸**
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴
رویکرد منابع برنامه‌ریزی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۲۸**
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴
** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است		

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری فرضیه دوم کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین جایگاه زنان و رویکرد منابع برنامه‌ریزی توسعه پایدار در شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد جایگاه زنان در رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی توسعه پایدار در شهر تهران کم‌رنگ می‌باشد

جدول (۷): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین جایگاه زنان و رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی توسعه پایدار

	جایگاه زنان	رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی توسعه پایدار
جایگاه زنان	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۶۳**
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴
رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی توسعه پایدار	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۶۳**
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴
** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است		

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری فرضیه سوم کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین جایگاه زنان و رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی توسعه پایدار در شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه سوم تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود.

مطالعه جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد زنان جهت تدوین الگوی ...

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد که جایگاه زنان در برقراری امنیت شهری توسعه پایدار در شهر تهران کم‌رنگ می‌باشد

جدول (۸): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین جایگاه زنان و برقراری امنیت شهری توسعه پایدار

جایگاه زنان	برقراری امنیت شهری توسعه پایدار	
	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد
جایگاه زنان	۰/۳۷۵**	۱
	۰/۰۰۰	۳۸۴
برقراری امنیت شهری توسعه پایدار	۰/۳۷۵**	۱
	۰/۰۰۰	۳۸۴
تعداد		۳۸۴
همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است		

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری فرضیه چهارم کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین جایگاه زنان و برقراری امنیت شهری توسعه پایدار در شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه چهارم تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود.

با توجه به اینکه سوالات مصاحبه در رابطه با عنوان پژوهش یعنی مطالعه جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد زنان جهت تدوین الگوی توسعه پایدار در شهر تهران می‌باشند، بر اساس پاسخ‌ها، اولویت‌بندی متغیرها با استفاده از آزمون فریدمن انجام شد که نتایج آن در جدول زیر بیان گردیده است.

جدول (۹): اولویت‌بندی متغیرهای پژوهش بر اساس شاخص فریدمن

متغیرها	ضریب فریدمن
برنامه ریزی مربوط به توسعه	۳/۳۰
رویکرد اجتماعی- اقتصادی	۳/۱۵
رویکرد منابع برنامه ریزی توسعه پایدار	۲/۹۲
رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی	۳/۴۸
برقراری امنیت شهری	۳/۲۳

همان‌طور که در جدول ۹ نشان داده شده است، از میان متغیرهای پژوهش رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی دارای بیش‌ترین ضریب و رویکرد منابع برنامه‌ریزی توسعه پایدار دارای کم‌ترین ضریب می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

زنان به علت دارا بودن توانایی بسیار می‌توانند در برنامه‌ریزی برای جامعه نقش به‌سزایی داشته باشند، اما نتایج تحقیق نشان داد که زنان در برنامه‌ریزی مربوط به توسعه پایدار از جایگاه چندانی برخوردار نیستند. از طرفی زنان در رویکرد اجتماعی- اقتصادی، رویکرد منابع برنامه‌ریزی، رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهر تهران از جایگاه چندانی برخوردار نیستند. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان داد

که امنیت شهری برای توسعه پایدار دارای اهمیت به‌سزایی می‌باشد، اما زنان در این زمینه نقش کم‌رنگی داشته و از جایگاه چندانی برخوردار نیستند. لذا می‌توان گفت با افزایش مشارکت زنان در برنامه‌ریزی شهری می‌توان در رویکرد اقتصادی- اجتماعی، رویکرد منابع برنامه‌ریزی و رویکرد مشارکت برنامه‌ریزی جهت دستیابی به توسعه پایدار در شهر تهران دست یافت.

توسعه پایدار به عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، آنگاه می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که با یاری و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی و برای همه آنان صورت پذیرد. زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و این واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. توجه به نقش زنان در فرآیند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اجتماعی، اقتصادی زنان در این کشورها بود. نتیجه آن که با وجود طرح رهیافت‌های مختلف برابری زنان و مردان به نظریه رفاهی مساوات و فقرزدایی، نظریه کارآیی و نظریه توانمندسازی زنان توجه جدی شد. رسیدن به معیار توانمندسازی زنان در چارچوب تحلیل جنسیتی نیاز به یک حرکت همه‌جانبه دارد که شامل اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، ساختار حقوقی و تغییر تدریجی باورها و ارزش‌ها و همچنین برنامه‌ریزی از پایین به بالا دارد. امروزه دنیا با این واقعیت مواجه شده که زنان دیگر نمی‌توانند به عنوان عوامل نامرئی در فرآیند توسعه به حساب آیند نقش آفرینی و توانمندی‌های زنان در میزان موفقیت دولت‌های در حال توسعه سیاست‌گذاران کلان دولتی را وامیدارد تا زنان را از حصار نامرئی بودن درآورد؛ این در حالی است که علیرغم برنامه‌ریزی‌ها و حمایت‌های انجام یافته هنوز زنان در بعضی کشورها نتوانسته‌اند به جایگاه و نقش مناسب خود در اداره امور کشور و در تصمیم‌گیری‌ها دست یابند. نتایج تحقیق حاضر نیز گواهی بر این ادعاست. در راستای مطالعه انجام گرفته برای (۱۳۹۵) در نتیجه مطالعه خود "زنان و توسعه پایدار" بیان کرده است که رسیدن به معیار توانمندسازی زنان در چارچوب تحلیل جنسیتی نیاز به یک حرکت همه‌جانبه دارد که شامل اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، ساختار حقوقی و تغییر تدریجی باورها و ارزش‌ها و همچنین برنامه‌ریزی از پایین به بالا دارد. همچنین در مطالعه روایی (۱۳۹۳) "نقش زنان در توسعه پایدار" عنوان شده است که توسعه زمانی پایدار و همه‌جانبه است که درون‌زا و متکی به عوامل داخلی باشد در واقع مشارکت رکن نهادین جامعه مدنی و توسعه‌یافتگی است و مراد از آن پذیرش مشارکت همگانی در تصدی مناصب مدیریتی و حق حضور یکسان در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی است. دشتی (۱۳۹۵) در مطالعه "نقش زنان روستایی در توسعه پایدار (مطالعه موردی: استان بوشهر)" مطرح کرد اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ کلیه کشورها را موظف نموده که به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار با همکاری و تعامل یکدیگر در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند. دستیابی به توسعه پایدار ارتباط مستقیمی با آموزش نیروهای انسانی دارد. یکی از زمینه‌های مؤثر

در ارتقای سطح برابری جنسیتی، تقویت و توانمندسازی زنان از طریق دادن آموزش به آنان در خصوص عدم توازن و برابری در قدرت و نیز دادن امکان لازم به زنان در راستای مدیریت زندگی خودشان است. دیدگاه‌های متفاوت و مختلفی در مورد زنان و توسعه وجود دارد از قبیل دیدگاه رفاه، نگرش زنان در توسعه (WID)، دیدگاه جنسیت و توسعه (GAD)، زنان و توسعه، دیدگاه مبتنی بر کارایی، نگرش مبتنی بر توانمندسازی، جنسیت و ... و هدف از نگرش زنان در توسعه، درگیر کردن زنان در توسعه اقتصادی از طریق اجرای طرح‌های درآمدزا برای زنان است (وندانا، ۱۹۸۹، دنیس لویز، ۲۰۰۸). زنان کنشگران مهمی در فعالیتهای اقتصادی شمرده نمی‌شوند و تحت سلطه مردان دیده شده‌اند و معمولاً مشارکت آن‌ها از طرح‌ها نادیده گرفته می‌شود. طبق نظر هماتی (۲۰۰۰ به نقل از باروت، ۲۰۱۷) مدارکی وجود دارد که زنان از نظر زیست محیطی نسبت به مردان آگاه‌ترند و بیش‌تر در فعالیتهای حفاظت از محیط زیست از قبیل بازیافت مواد زائد، استفاده مجدد از مواد زائد، خرید آگاهانه کالاهای سازگار با محیط زیست، و آموزش زیست محیطی درگیر هستند (گراندن، ۲۰۱۰). بنابراینچه گفته شد می‌توان گفت زنان نیز به عنوان سازنده جامعه و بخش عظیم نیروی کار کشور، در این فرآیند، جایگاه ویژه‌ای دارند و یکی از مشخصات توسعه یافتگی جامعه، در تحول نقش زنان و افزایش مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است.

منابع

- امیری دشتی، مهدیه. (۱۳۹۵). نقش زنان روستایی در توسعه پایدار (مطالعه موردی: استان بوشهر)، نخستین کنگره ملی زنان موفق ایران.
- انوری، محمودرضا؛ رئیسی، محمدکریم. (۱۳۹۵). سنجش و اولویت‌بندی توسعه شهری با توجه به شاخص‌های پایداری (مطالعه موردی: شهرهای استان سیستان و بلوچستان)، دومین همایش ملی فرهنگی، گردشگری و هویت شهری.
- برای، ایران. (۱۳۹۵). نقش زنان در توسعه پایدار، نخستین کنگره ملی زنان موفق ایران.
- روایی، سلطنت. (۱۳۹۳). نقش زنان در توسعه پایدار، همایش ملی جایگاه و نقش زنان در مدیریت جهادی.

-
- 1- Women in Development
 - 2- Generalized anxiety
 - 3- lopez
 - 4- Barut
 - 5- Grantham

- زنجانی‌زاده اعزازی، هما. (۱۳۸۰). زنان و امنیت شهری، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، دوره ۳۴، شماره ۳-۴، پی در پی ۱۳۴ ° ۱۳۵، صص ۶۰۳-۶۲۶.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- فیروز بخت، علی؛ ابراهیمی، رضا؛ ربیعی‌فر، ولی‌الله؛ حیدری، تقی. (۱۳۹۱). ارزیابی ساختار اجتماعی- فرهنگی شهر با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر کرچ) پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره ۹، صص ۵۷-۷۸.
- ملکی، سعید و دامن باغ، صفیه. (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی، کالبدی و خدمات شهری (مطالعه موردی: مناطق هشت‌گانه شهر اهواز). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره ۱ سوم.

- Barut, Yasin. (2017). Women s Cooperatives Contributions to Local Region Economy: Seferihisar Agricultural Cooperative Development Model-Turkey. Management 5.2 (2017): 120-127.
- Connelly, S. (2007). Mapping sustainable development as a contested concept, Local Environment, 12(3), 259° 278.
- Denise Lopez, Marilyn. (2008). Sustainable development as a solution to inequality amongst rural women of El Salvador:An exploratory case study, dissertation of master of science, Oklahoma state university.
- Galindo-Reyes, Fuensanta C. et al. (2016). Rural indigenous women in Bolivia: A development proposal based on cooperativism. Women's Studies International Forum. Volume 59, November° December 2016, Pages 58° 66
- Grantham, Katharine. (2010). Gender and Indigenous Knowledge: The Role of Nepalese Women in Agricultural, Research and Development, June 1996.
- Hussein, A. Saad. (2013). Environment and Health of Rural Women, Reference Module in Earth Systems and Environmental Sciences, 2013
- Isaksson, R. (2006). Total quality management for sustainable development Process based system models, Business Process Management Journal, Vol. 12 No. 5, pp. 632-645.
- Krueger Rob and Lydia Savage (2011). City-regions and social reproduction: A place sustainable development .International journal of urban and regional research, volume 31.1 march 215-23.
- Linnenluecke, Martina K., et al. (2017). A review of collaborative planning approaches for transformative change towards a sustainable future." Journal of Cleaner Production 142 (2017): 3212-3224.
- Madu, Christian N., Chu-hua Kuei, and Picheng Lee. (2017). Urban sustainability management: A deep learning perspective. Sustainable Cities and Society 30 (2017): 1-17.
- Nieuwenhuijsen, Mark J., et al. "Participatory quantitative health impact assessment of urban and transport planning in cities: a review and research needs." Environment international 103 (2017): 61-72.
- Olatokun Wole M & Ayanbode oF. (2010). Use of indigenous knowledge by women in a Nigerian rural community. indian Journal of Traditional Knowledge, Vol. 8(2), April 2009, pp. 287-295.

مطالعه جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد زنان جهت تدوین الگوی ...

- Oliver, P.A. (2008). City Leadership: at the heart of the global challenge. *Global Asia*, 3(16), 421-432.

Smith, Dorothy E. (1987). *The Everyday Life World As Problematic, A Feminist Sociology*; Northeastern University Press/ Boston.

- Snyder, Mary Gail (1995). Feminist Theory and Planning Theory: Lessons from Feminist Epistemology, *Berkely Planning Journal*, Department of City and Regional Planning, 10 (1), 91-106

- Uwe, D. (2008). Achieving urban sustainability: integrated urban management. *Asia and Europe Environment Forum*, Nov 28-30, Shenzhen. China.

- Varol, C, Ercoskun, O, Gurer, Y. (2010). Local participatory mechanisms and collective actions for sustainable urban development in Turkey, *Habitat International*. xxx. Article in Press.

